

نگاهی به آثار احمد فتوت

# رویش خزان در آثار نقاش لحظه‌ها

محمدعلی اشرفی - دبیر هنر



پاییز دره مرادبیگ، اکریلیک



دامنه الوند، آبرنگ

### گزیده نقاشی‌های احمد فتوت، نشر سارنگ، ۱۳۹۰، شمارگان ۱۵۰۰، قطع رحلی، جلد گالینگور، کاغذ گلاسه

استاد احمد فتوت (۱۳۲۲، همدان) از هنرمندان و معلمان عاشق است. او فارغ‌التحصیل نقاشی از «دانشگاه هنرهای زیبا» در چهار دهه قبل است. کارنامه پر برگ استاد در زمینه ارائه خدمات آموزشی قابل توجه است. تأسیس هنرستان گرافیک و نقاشی، در همدان و راهاندازی رشته نقاشی در دانشگاه آزاد آن شهر دو کار ماندگار او به‌شمار می‌آیند. احمد فتوت ذاتاً معلم است. پیوند هنر و عشق به تدریس، در طول چهار دهه گذشته موجب آن شده است که نسلی از دست پروردگان و شاگردان زبده او، هم‌اینک از تأثیرگذاران در عرصه هنرهای تجسمی باشند. با این حال، در کنار کار تعلیمی، وی توانسته است به‌عنوان نقاشی حرفه‌ای نیز ایفای نقش کند.

کتاب «گزیده نقاشی‌ها» بالغ بر ۹۲ اثر است که ره‌توشه او در سلوک چهل‌ساله‌اش نیز به‌شمار می‌آید. این کتاب مزین به پیش‌گفتار خود هنرمند و دو نوشتار وزین از هنرمند برجسته، دکتر محمدحسین حلیمی، و جامعه‌شناس نام‌آشنا، پرویز پیران است.

از منظر نشانه‌شناسی با چند کلیدواژه، فهم بخشی از درون‌مایه آثار استاد فتوت قابل بررسی است.

اول «جغرافیای معنوی و مادی» زادگاهش و نمایاندن و تجلی دادن آن در آثار هنرمند است. وی در این باره می‌نویسد: «معماری ایران و همدان در نقش‌های من جایگاهی خاص دارند.»

دوم نماد «آسمان» که در پس‌زمینه کار هنرمند همواره در اوج تابلوها قرار دارد. گویی هنرمند با قلم‌موی خیال خود، شعر زیبای

سهراب سپهری را روی مقوا زنده می‌کند؛ آنجا که می‌گوید: «هر کجا هستم باشم، آسمان مال من است.»

آسمان عنصر مشترک بسیاری از تابلوهاست. به‌نظر می‌رسد در ناخودآگاه هنرمند آنچه نگرانی از «زمین» نهفته است که زیبایی‌ها و لطافت‌ها را در آسمان می‌جوید و زمزمه‌کنان می‌گوید: «زمین که لطف ندارد، از آسمان چه خیر؟»

با این نگاه در برخی از تابلوها کمتر از یک سوم فضا را آسمان کریمانه در برمی‌گیرد. نقاش، لحظه‌های دیدار با آسمان را با پرتاب قلم‌مو و رنگ‌بندی متنوع ثبت می‌کند و از این رهگذر، یکی از نمادها و نشانه‌های هنری کار خویش را رقم می‌زند.

نشانه سوم در آثار فتوت «طبیعت» است. طبیعت به تعبیر استاد حلیمی «همواره بهترین راهنما و الگو برای هنرمندان است.

مشاهده طبیعت، امکان ارزیابی و مقایسه اجزا عالم و درک کیفیت شکل‌ها، ترکیب‌بندی‌ها و رنگ‌ها را برای وی فراهم می‌سازد» (از مقدمه، ص ۹).

در این میان، احمد فتوت به روایت آثارش از همدان همیشگی طبیعت شهرش همدان بوده است. بهار و خزان، دره‌های سرسبز، کوه و جاده و برف، رودخانه‌ها و کوچه‌باغ‌ها، و مواردی دیگر که از نشانه‌های طبیعت‌اند در آثار او موج می‌زنند. شاید بتوان بیشترین فراوانی نشانه‌ها را در این دست از آثار وی جست‌وجو کرد. طبیعت سحرآمیز همدان با سرمایه سوزان و تابلوهای کم‌نظیر از پاییز، هنرمند را به رویش دوباره در خزان دعوت می‌کند. او نیز با آبرنگ‌های زیبا این نغمه را در گوش

گر آشکار و گر که نهان است شهر من  
در چشم من بهشت جهان است شهر من

(شفیعی کدکنی)

در برخی از تابلوها، مانند تابلوی «میدان اصلی همدان»، هماغوشی معماری و طبیعت (دامنه کوه الوند) محقق شده است؛ جلوه‌ای که در آن می‌توان هنرمند را فرزند این ترکیب نیرومند و اثرپذیر از آن دانست. یا در تابلوی «کلاغ‌ها» می‌توان هم‌نشینی آن‌ها را در کنار آپارتمان‌ها به‌نظاره نشست؛ جایی که گذر تاریخ را نشان می‌دهد و اینکه چگونه کلاغ‌ها از دامن طبیعت به دامن شهر آمده‌اند.

در تابلوی «خزان»، که سکوت آن فقط با افتادن برگ‌ها می‌شکند، هنرمند رویش دوباره را نوید می‌دهد و بیننده را به زندگی در حال دعوت می‌کند که خزان را به‌زیبایی نگاه کند؛ زیرا بر این باور است که: «خزان هم با سرود برگ‌ریزان عالمی دارد» (شهریار).

سایه‌های کم‌رنگ و بی‌رنگ از دیگر نشانه‌های آثار فتوت است. در معنایابی این نشانه، هنرمند در کنار درختان واقعی سایه‌ای از آن‌ها را به‌عنوان دنیای مجازی و ناپایدار ترسیم می‌کند و بر رازدانی سایه‌ها، که در روند و آیند همیشگی‌اند، صحنه می‌گذارد. سایه با طنین دلنشین و آهنگین خود، منبع الهام هنرمند در پرتاب قلم‌موهاست. فتوت سایه‌های گریزپرا را برای لحظه‌ای نیز که شده، در سینه آثار خود پایدار می‌کند تا مخاطب دمی بنگرد که سایه با ذات آشناست؛ زیرا نمایی از آن وجود حقیقی را در خود انعکاس می‌دهد. لحظه‌هایی که فتوت ترسیم کرده است، همه لحظات سکوت عاشقانه‌اند؛ لحظه‌هایی که دوری از غوغای کلان شهرها به وی ارزانی داشته است و این کم سرمایه‌ای نیست. به‌همین دلیل نیز او تابلویی با نام «سکوت»

خویش نجوا می‌کند که: «تا شقایق هست، زندگی باید کرد»

فتوت در این دسته از نقاشی‌ها، طبیعت را به قول استاد صنعتی از پشت توری ظریف می‌نگرد و قلم‌موی خود را درگیر جزئیات نمی‌کند. مخاطب با کلیتی از اثر روبه‌روست. او با نشانه‌ها و درون‌مایه تابلو همذات‌پنداری می‌کند و از این طریق روایت خویش را در لایه‌های پنهان روح باز می‌خواند.

«شهر» از نشانه‌های دیگر در آثار فتوت است. این همه تجلی نمادهای شهر در آثار فتوت نشان‌دهنده پس‌زمینه اجتماعی اوست که رشد و بلوغ خود را در آن می‌کاود. نمادها و اجزایی که لحظه‌به‌لحظه در ذهن او حاضر بوده‌اند و با وجود آن‌ها زندگی برای وی در آن محیط اجتماعی معنی یافته است.

تابلوهای مکرر از بازار، سبزه‌میدان، مسجد جامع، سرای میرزاکاطلم، آرامگاه باباطاهر، آمدوشد مردم، نمایی از شهر، برداشته‌های مختلف از میدان مرکزی شهر، روستاهای اطراف، دامنه‌های زیبای الوند، محله‌های سنتی و قدیمی شهر، سردرهای زیبا، پارک‌های عمومی و... همگی بازتاب صمیمانه‌ای در آثار فتوت یافته‌اند. آثار کتاب، تصاویر خیال‌انگیز هنرمند را در هم‌نشینی ۷۰ ساله با این محیط نشان می‌دهد. بی‌دلیل نیست که جامعه‌شناسان هنر متغیر زمینه اجتماعی را به‌عنوان عاملی اثرگذار در تولید هنری هنرمند به‌شمار می‌آورند. از این نظر، آثار احمد فتوت دستمایه اصلی برای تحلیل محتوایی از این دست را ارائه می‌کند. اگر شعرای همدان با گویش محلی روایت منظوم خود را از نمادها و نشانه‌های شهر گفته‌اند، گویی این بار نقاش لحظه‌ها آن‌ها را به‌صورت مصور عرضه داشته و این نغمه را سر داده است که:

پارک، گوش و آبرنگ



سردر قدیمی، آبرنگ



سایه‌ها می‌دانند، آبرنگ



دامنه الوند، آبرنگ



میدان اصلی همدان، آبرنگ

تحوّلات تاریخی را نیز در دورهٔ معاصر ملاحظه کرد؛ گذرگاهی که از کوچه‌های کاهگلی آغاز می‌شود و به تغییر و تخریب معماری بومی می‌انجامد. گذر از سنت به مدرنیته که بسیاری از زیبایی‌های ذاتی را از آدمی ستانده و به‌جای تابلوهای واقعی و طبیعی، او را به مرحلهٔ استشمام گل‌های مصنوعی در آپارتمان رسانده است! بی‌دلیل نیست که فتوت نیز این دغدغه را دارد و یاد آن روزگاران را در تابلوی «نشان ایام»، که در آن ترکیبی از آرامش طبیعت و خانه‌ای که «مأمّن امن» است، به‌نمایش درآورده است. برای استاد فتوت که مثل همیشه با قلم‌موی خیال و نجوای رنگ به لحظه سپاری در طبیعت و محیط می‌پردازد، آرزوی توفیق داریم و تعدادی از آثار زیبای ایشان را ارائه می‌کنیم.

ساخته است. چشم نقاش در تغییر فصل‌ها، حیران رنگ‌به‌رنگ شدن طبیعت است و او می‌کوشد که در لحظه‌پردازی‌های خود، گوشه‌ای و فقط گوشه‌ای از این سیر سرمدی را ثبت کند. انگار لحظات را از فیلم گذرای طبیعت با دوربین عکاسی خویش قاب می‌گیرد تا قدردان ستایشگر آن وجود نامتناهی و نقاش ازل باشد که این همه زیبایی و نقش عجب فقط یک فروغ روی اوست. بی‌شک قلم‌موی فتوت به‌خاطر انعکاس زیبایی‌های طبیعت، نجوایی است که به یگانگی و توحید حضرت حق گواهی می‌دهد و رسم بندگی را به‌خاطر این درک والا به جا می‌آورد. به‌نظر می‌رسد با چینش تابلوهای هنرمند می‌توان گذر زمان و



نشان ایام، آبرنگ



آرامگاه باباطاهر، آبرنگ